خبر

پیام سران سه قوه:

خود را متعهد می‌دانیم برای حل مشکلات کوشا باشیم

رؤسای قوای مجریه، مقننه و قضائیه در پیامی مشترک ضمن قدرشناسی از ملت فهیم، نجیب و لحظه‌شناس ایران که آگاهی خنثی‌کردن پیچیده‌ترین توطئه‌های دشمنان علیه یکپارچگی ایران قوی و مستقل را داشته و دارند، تأکید کردند: ما رؤسای سه قوه خود را متعهد می‌دانیم که با تلاش شبانه‌روزی در جهت حل مشکلات معیشتی و اقتصادی و تأمین امنیت عمومی کوشا باشیم و در انجام وظایف خود ذره‌ای قصور نورزیم. به گزارش ایسنا، مسعود پزشکیان رئیس‌جمهور اسلامی ایران، محمدباقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی و حجت‌الاسلام محسنی‌اژه‌ای رئیس قوه قضائیه، در این پیام مشترک هوشیاری ملت عزیز ایران در جداسازی صف معترض از آشوبگران و مجاهدت مسئولانه مدافعان کشور اعم از نیروی انتظامی، سپاه و بسیج را موجب نقش بر آب شدن سناریوی کثیف طراحان رخدادهای تلخ اخیر کشور عنوان و تصریح کردند: ما رؤسای سه قوه متعهدیم با تدبیر و حکمتی که مورد انتظار ملت بزرگ ایران است، پاسدار خون چندصد هزار شهید انقلاب اسلامی باشیم و پرچم پرافتخار جمهوری اسلامی و نام ایران و ایرانی را در جهان به اهتزاز درآوریم. در متن پیام مشترک رؤسای سه قوه آمده است: «خداوند عزیز و رحمان را شکرگزاریم که ما را به خدمتگزاری ملتی فهیم، نجیب و لحظه‌شناس برگزید که آگاهی خنثی‌کردن پیچیده‌ترین توطئه‌های دشمنان علیه یکپارچگی ایران قوی و مستقل را داشته و دارند. همچنین به ما رهبر حکیم و فرزانه‌ای عطا فرمود که با رهنمودهای روشنگر و راهگشا در سخت‌ترین شرایط، زمینه‌ساز اصلاح امور و حل مشکلات جامعه را داشته است. تاریخ پرفرازونشیب این خاک مقدس مملو از فداکاری و ایستادگی و رشادت مردم قهرمانی بوده است که برای استقلال، اقتدار و یکپارچگی ایران عزیز معجزه‌ها آفریده‌اند. در فتنه پیچیده اخیر نیز که با کارگردانی دشمنان دیرینه انقلاب اسلامی و بازیگری عناصر تروریست و اغتشاشگران بی‌وطن به وقوع پیوست، هوشیاری ملت عزیز ایران در جداسازی صف معترض از آشوبگران و مجاهدت مسئولانه مدافعان کشور اعم از نیروی انتظامی، سپاه و بسیج نقشه کثیف طراحان این سناریو را نقش بر آب کرد. ما رؤسای سه قوه مجریه، مقننه و قضائیه متناسب با اختیارات قانونی، خود را متعهد می‌دانیم که با تلاش شبانه‌روزی و با تبعیت از رهنمودهای رهبر معظم انقلاب اسلامی و بهره‌گیری از ظرفیت نخبگان و فرهیختگان با وحدت، همدلی و هم‌افزایی در جهت حل مشکلات معیشتی و اقتصادی و تأمین امنیت عمومی کوشا باشیم و در انجام وظایف خود ذره‌ای قصور نورزیم. همچنین در رسیدگی به حوادث تروریستی اخیر ضمن توجه و کشف و شناسایی علل و ریشه‌های وقوع با رعایت نهایت انصاف و عدالت ضمن سزای قاطع قاتلین و فتنه‌گران تروریست، رأفت اسلامی و ملایمت را با فریب‌خوردگانی که نقش اساسی در حوادث تروریستی نداشته‌اند، به کار بندیم و با تدبیر و حکمتی که مورد انتظار ملت بزرگ ایران است، پاسدار خون چندصد هزار شهید انقلاب اسلامی باشیم و پرچم پرافتخار جمهوری اسلامی و نام ایران و ایرانی را در جهان به اهتزاز درآوریم. ان‌شاءالله».

درخواست اعضای حزب جمهوریت برای آزادشدن دسترسی به اینترنت

در نشست شورای مرکزی حزب جمهوریت ایران اسلامی، برخی از اعضای این حزب مسئله قطع اینترنت را به ضرر کشور دانستند و اظهار کردند که قطع دسترسی اینترنت، تنها مردم عادی و اقتصاد کشور را هدف قرار داده است. به گزارش ایسنا، حجت‌الاسلام رسول منتجب‌نیا، دبیرکل حزب جمهوریت ایران اسلامی، در نشست شورای مرکزی حزب جمهوریت ایران اسلامی دخالت کشورهای خارجی در مسائل داخلی کشور و تلاش نظام سلطه برای احیای سلطنت پهلوی در ایران را محکوم کرد. او اظهار عقیده کرد: بارها تقاضا کردیم که محلی برای اعتراضات مردمی در نظر گرفته شود و مانند کشورهای پیشرفته دنیا با حفظ امنیت و آزادی بیان و پس از بیان، مردم جمع شوند و اعتراضات خود را بیان کنند. اکنون هم که شنیدیم نمایندگان مجلس در حال تصویب چنین طرحی هستند، ضمن تشکر از ایشان توصیه می‌کنیم بررسی دوفوریتی این طرح را نیز در دستور کار قرار دهند تا هرچه سریع‌تر به نتیجه برسد و در این راستا از نظر و توانایی احزاب نیز بهره گرفته شود. براساس این گزارش، در این نشست که با حضور اکثریت اعضای این حزب برگزار شد، برخی حاضران مسئله قطع اینترنت را به ضرر کشور دانستند و اظهار عقیده کردند که در شرایطی که شبکه‌های معاند ماهواره‌ای همچنان فعال هستند و اینترنت ماهواره‌ای وجود دارد، قطع دسترسی اینترنت تنها مردم عادی و اقتصاد کشور را هدف قرار داده و هیچ دستاوردی ندارد.

عضو هیئت‌رئیسه مجلس خبر داد

استیضاح وزرا در مجلس متوقف شد

عضو هیئت‌رئیسه مجلس شورای اسلامی گفت که با هدف کار دوبرابر وزرا، فعلا استیضاح وزرا متوقف شده است. علیرضا سلیمی با اشاره به جلسه غیرعلنی دیروز گفت: مقام معظم رهبری صریحا فرمودند که باید به دولت کمک کرد و دولت و وزرا نیز باید دوبرابر کار کنند. در این راستا مجلس از ابزار نظارتی‌اش به‌طور جدی استفاده می‌کند. وی ادامه داد: مجلس فرصتی به وزرا برای کار دوبرابری می‌دهد و با استفاده از ابزار نظارتی‌اش، وزرا را وادار به کار می‌کند. در این شرایط اگر وزرا دوبرابر کار نکنند، مجلس از ابزار نظارتی خود استفاده می‌کند. سلیمی در جمع‌بندی گفت: با این رویکرد، فرصت موقتی به وزرا داده شده تا کار بیشتری انجام دهند که در غیر این صورت استیضاح‌ها به جریان می‌افتد؛ چون استیضاح وزرا منتفی نشده، بلکه متوقف شده است.

عنایتی: گزینه ایران گفت‌وگواست

سفیر ایران در عربستان ضمن تأکید بر اینکه گزینه ایران برای حل بحران‌ها، گفت‌وگو است، خاطرنشان کرد که شعله‌ورکردن هرگونه درگیری، پیامدهایی برای تمام منطقه خواهد داشت. علیرضا عنایتی، سفیر ایران در عربستان، در مصاحبه با روزنامه سعودی، دیدگاه‌های تهران را در مورد تحولات جاری در منطقه ارائه داد و به تلاش‌های میانجیگران منطقه‌ای برای مهار تشدید تنش، نقش گفت‌وگو در رهایی منطقه از درگیری و ماهیت روابط با کشورهای همسایه، به‌ویژه عربستان پرداخت. عنایتی در گفت‌وگو با روزنامه عکاظ، به موضع ایران در قبال مسائل منطقه‌ای، اعتراضات داخلی و مفهوم امنیت جمعی پرداخت و تأکید کرد که تهران گفت‌وگو و اقدام مشترک بین کشورهای منطقه را مؤثرترین راه برای حفظ ثبات و جلوگیری از کشیده‌شدن منطقه به سمت درگیری‌های گسترده‌تر می‌داند. سفیر ایران فاش کرد که علاوه بر سفر وزیر امور خارجه عمان به تهران، چند روز گذشته تماس‌های فشرده‌ای بین وزرای امور خارجه عربستان، قطر، عمان و ایران برقرار شده است. وی توضیح داد که این اقدامات در خدمت ثبات منطقه و تحکیم امنیت بوده و ایران به امنیت منطقه پایبند است و از تمام تلاش‌ها برای جلوگیری از تشدید تنش و گسترش دامنه جنگ استقبال کرده است. او هشدار داد که شعله‌ورکردن هرگونه درگیری، پیامدهای جدی خواهد داشت که کل منطقه را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

«شرق» در گفت‌وگو با کارشناسان، روابط ایران و آمریکا را در یک سالی که از بازگشت ترامپ به کاخ سفید گذشت، بررسی می‌کند

داستان یک سال

عبدالرحمن فتح‌الهی

امروز بیستم ژانویه ۲۰۲۶ است. یک سال پیش و در چنین روزی دونالد ترامپ به کاخ سفید بازگشت تا ملتهب‌ترین یا حداقل یکی از ملتهب‌ترین دوره‌های روابط آمریکا و ایران پس از انقلاب را رقم بزند. در مقام قیاس، بی‌شک آنچه در سال ۲۰۲۵ یعنی یک سال اول دولت دوم ترامپ بر ایران گذشت، کاملا متفاوت از تحولاتی بود که در دولت نخست او طی سال‌های ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۱ بر ایران حادث شد. ترامپ در چهار سال اول به دلیل نداشتن تجربه و دانش در عرصه سیاست‌ورزی، شرایطی را رقم زد که موفقیت چشمگیری در قبال ایران حاصل نکرد. تهدیدهای مکرر، خروج از برجام، سیاست به صفر رساندن فروش نفت ایران، آغاز کارزار فشار حداکثری، ترور سردار سلیمانی و نهایتا تلاش ناموفق برای احیای مکانیسم ماشه و بازگشت قطع‌نامه‌های شورای امنیت، کل کارنامه او را دربر می‌گرفت. اما داستان دولت دوم او که تنها یک سال از آن می‌گذرد، به اندازه کل چهار سال دولت اولش برای ایران مملو از تنش و بحران بود که کماکان ادامه دارد.

هرچند منطقه غرب آسیا و کل نظام بین‌الملل به واسطه دو جنگ «اوکراین» و «غزه» در یک حساسیت جدی به سر می‌برد، ولی روی کار آمدن دوباره ترامپ همه معادلات، ازجمله موضوع ایران را به یک شکنندگی بی‌سابقه رساند. در این بین و پیش از پیروزی ترامپ در انتخابات ریاست‌جمهوری، طیفی از ناظران و کارشناسان بر «تبیین و تعریف استراتژی برای نوع مواجهه ایران با ترامپ» تأکید داشتند. ضمن آنکه عده‌ای از تحلیلگران هم معتقد بودند بازگشت ترامپ به کاخ سفید بیش از آنکه برای منافع ایران «تهدیدزا» باشد، یک «فرصت» خواهد بود. اما آنچه در یک سال اول دولت دوم ترامپ بر تهران گذشت، نشان داد که در اثر همان فقدان استراتژی به نقطه‌ای از تشتت در دیپلماسی رسیدیم که یک طیف از پنج دور مذاکرات به میزبانی عمانی‌ها تا جنگ ۱۲روزه، فعال‌سازی مکانیسم ماشه و بازگشت قطع‌نامه‌های شورای امنیت را دربر داشت. شاید چنین تصور شود که بی‌ثباتی ترامپ در قبال سیاست خارجی سبب این تشتت شده است، اما باید سهم خطاهای داخل را هم در نظر گرفت؛ تا جایی که اکنون برخی از تحلیلگران اذعان و باور دارند که شکست در مذاکرات عمان، آغاز جنگ ۱۲روزه و بن‌بست چندماهه اخیر در دیپلماسی بر اثر نبود یک برنامه دقیق و منسجم دیپلماتیک روی داد. بنابراین پس از یک سال از آغاز دولت دوم ترامپ باید معترف بود که نه‌تنها بازگشت او به کاخ سفید برای ایران فرصت نبود، بلکه کفه تهدیدهایش سنگین‌تر از سایر رؤسای جمهور در آمریکا بوده است.

در این یک سال چه گذشت؟

شاید بد نباشد نگاهی گذرا به تحولات یک سال اخیر پس از بازگشت ترامپ به کاخ سفید داشته باشیم. به این دلیل که شدت و سرعت تحولات و اتفاقات این یک سال آن‌قدر بالا بود که فراموش کرده‌ایم چه بر ما گذشت، اکنون کجاییم و چه باید بکنیم؟ هرچند در دوره رقابت‌های انتخاباتی ریاست‌جمهوری آمریکا در سال ۲۰۲۴، ترامپ به شکل گذرا و قابل دفاع از سیاست‌های اعمالی دولت اولش در قبال ایران، انتقاد به نوع تعامل دولت بایدن با تهران و نیز توافق مدنظر خود در صورت پیروزی اشاره کرد، اما مسائل داخلی آمریکا و نیز دو جنگ اوکراین و غزه موجب شد ایران در حاشیه و سایه رقابت‌های انتخاباتی قرار بگیرد. البته اتفاقاتی نظیر ترور ناموفق ۱۴ جولای ترامپ در پنسیلوانیا و تلاش برای ارتباط‌دادن آن به تهران موجب شد در مقاطعی نام ایران پررنگ شود، اما نهایتا شاهد آن بودیم که ترامپ، نه برای سخنرانی مراسم تحلیف خود در بیستم ژانویه ۲۰۲۵ و نه مراسم امضای فرامینش به ایران اشاره‌ای نداشته باشد.

در ادامه نیز موضع‌گیری‌های جسته‌وگریخته و مصاحبه‌هایی که توسط ترامپ صورت گرفت با لحن مثبت و با احترام همراه بود. رئیس‌جمهور آمریکا، مردم و کشور ایران را بزرگ توصیف می‌کرد و از در تعامل سخن می‌گفت تا آنکه چهارم فوریه ۲۰۲۵ (۱۶ بهمن ۱۴۰۳) ورق به کل برگشت و ترامپ فرمان احیای کارزار فشار حداکثری علیه ایران را امضا کرد. پس از آن بود که ادبیات کاخ سفید وارد ریل دیگری شد و کلیدواژه «دیگو گارسیا» به سرفصل تهدید مستقیم نظامی علیه ایران در بهمن و اسفند ۱۴۰۳ بدل شد. اما باز هم معادلات در روزهای پایانی اسفند سال گذشته رنگ دیگری به خود گرفت و ۲۲ اسفند بود که انور قرقاش، مشاور دیپلماتیک رئیس امارات متحده عربی، در رأس هیئتی رسمی وارد تهران شد تا نامه دونالد ترامپ را به مقامات کشورمان تحویل دهد؛ نامه‌ای که ترامپ در مصاحبه هفتم مارس ۲۰۲۵ (۱۷ اسفند ۱۴۰۳) با شبکه خبری فاکس‌بیزینس از نگارش آن خبر داد و تأکید کرد که مخاطب این نامه رهبر جمهوری اسلامی ایران و موضوع آن ابراز تمایل واشنگتن برای مذاکره با ایران و حصول توافقی متفاوت از برجام است.

البته این بار تهران برخلاف نامه قبلی ترامپ که در خرداد ۱۳۹۸ توسط شینزو آبه، نخست‌وزیر فقید ژاپن، به ایران آورده شد، اما از تحویل سر باز زد، بنا را بر پذیرش نوشته رئیس‌جمهور آمریکا گذاشت، بااین‌حال سایه سنگین تهدیدهای مطرح‌شده در نامه ارسالی و مانور واشنگتن بر دیگو گارسیا، شرایط را متفاوت از قبل کرد. در این بین و در ۱۸ فروردین ۱۴۰۴ به‌ناگاه ترامپ در نشست مشترکی با بنیامین نتانیاهو خبر از آغاز مذاکرات مستقیم با ایران به میزبانی عمانی‌ها داد که سرآغاز پنج دور گفت‌وگوی تهران و واشنگتن بود و درست در شرایطی که تنها ۴۸ ساعت به دور ششم مذاکرات در مسقط باقی مانده بود، اسرائیل با چراغ سبز ایالات متحده وارد جنگ مستقیم با ایران شد؛ جنگ ۱۲روزه‌ای که از ۲۳ خرداد ۱۴۰۳ تا دوم تیر به طول انجامید. در اثنای حملات اسرائیل بود که دونالد ترامپ دستور حمله مستقیم آمریکا به تأسیسات هسته‌ای فردو، نطنز و اصفهان را در اول تیرماه صادر کرد که به دنبال آن، ایران هم حمله موشکی را به پایگاه نیروهای آمریکایی در العدید قطر انجام داد و در نهایت شاهد پایان جنگ ذیل آتش‌بس غیررسمی و به‌نوعی ترک تخاصم بودیم که فضای شکننده‌ای را برای احتمال جنگ دوباره علیه ایران به قوت خود باقی گذاشته و همچنان این فضای شکننده و تنش مجدد پابرجاست.

پس از آن بود که تهران ریل مناسبات با واشنگتن را تغییر داد و دیگر گزینه مذاکره را از روی میز خود برداشت و تأکید کرد که برای آغاز هرگونه مذاکره‌ای باید ترامپ تضمین‌های لازم در جهت عدم حمله نظامی، چه از جانب اسرائیل یا خود آمریکا را به تهران بدهد. مقامات کشور در حالی بر این پیش‌شرط تأکید داشتند که ترامپ به دنبال تنگ‌ترکردن لایه‌های فشار بر ایران بود و در گام بعد با مدیریتی که بر تروئیکای اروپایی اعمال کرد، فضا را به‌گونه‌ای پیش برد که ۲۸ سپتامبر ۲۰۲۵ (ششم مهرماه ۱۴۰۴) شاهد فعال‌سازی مکانیسم ماشه و احیای شش قطع‌نامه علیه تهران بودیم؛ اقدامی که ترامپ در دولت اولش با مخالفت همین تروئیکا (آلمان، فرانسه و انگستان) نتوانست انجام دهد و بی‌شک وقوع جنگ اوکراین و سیاست‌های تهران در قبال این جنگ موجب نزدیک‌ترشدن لندن، پاریس و برلین با مواضع کاخ سفید شد تا آنجا که حتی تلاش‌های ایران و میانجیگری‌های کشورهای منطقه و مشخصا مصر برای انعقاد «توافق قاهره» بین تهران و آژانس در ۱۸ شهریور نیز مانع از فعال‌شدن ماشه نشد و به این ترتیب، ایران و آمریکا وارد دوره رکود دیپلماتیک چهارماهه‌ای شدند که با اعتراضات دی‌ماه در ایران این رکود پایان یافت. اگرچه در این مدت تحرکاتی برای ازسرگیری مذاکرات مطرح بود، اما بی‌نتیجه باقی ماند و در این بین اتفاقات دی‌ماه و حمایت صریح ترامپ از معترضان، صفحه دیگری از تقابل بین دو طرف را گشود؛ تا جایی که چهارشنبه گذشته بوی جنگ دوباره بیش از هر زمان دیگری به مشام رسید. اکنون هم با وجود عقب‌نشینی لفظی ترامپ از تنش و درگیری، کماکان احتمال حمله مجدد آمریکا روی میز است. ضمن آنکه شروط چهارگانه ویتکاف در همه زمینه‌های هسته‌ای، موشکی و منطقه‌ای، عملا بن‌بست جدی در عرصه دیپلماتیک را بین تهران و واشنگتن رقم زده است.

همه اتفاقاتی که اجمالا به آنها اشاره شد، تنها در یک سال اول دولت دوم ترامپ به وقوع پیوست و باید این نکته کلیدی را در نظر داشت که سه سال دیگر از ریاست‌جمهوری او باقی مانده است. پس در صورتی که بخواهیم همین مسیر طی‌شده یک سال اخیر از بیستم ژانویه ۲۰۲۵ تا بیستم ژانویه ۲۰۲۶ را طی کنیم، بعید است که بتوان به ادامه مسیر امیدوار بود و اینجاست که ضرورت تبیین یک استراتژی برای آنچه در پیش‌رو است بسیار حیاتی‌تر از هر زمان دیگری است؛ استراتژی‌ای که در سایه آن بتوان سه سال باقی‌مانده از دولت ترامپ را به نحوی مدیریت کرد که نه تنش و جنگ دیگری را شاهد باشیم و نه مذاکرات و توافقی به کشور تحمیل شود که همه پتانسیل‌های بالقوه و بالفعل کشور را از تهران بگیرد. می‌گویند گذشته چراغ راه آینده است، حالا باید دید با توجه به تجربه دولت اول ترامپ و به‌خصوص آنچه در این یک سال بازگشت او (ترامپ) به کاخ سفید می‌گذرد، ایران دست به تبیین یک استراتژی می‌زند یا خیر؟ اگرچه برخی معتقدند که اکنون سقف خواسته‌های ترامپ از ایران در همه موضوعات موجب شده برای تعریف استراتژی «دیر» شده باشد، اما در مقابل علم دیپلماسی قائل به بن‌بست نیست و در هر شرایطی می‌توان به استخراج فرصت از دل بدترین تهدیدها امیدوار بود، منوط بر آنکه شاهد تغییر ریل باشیم.

نعمت‌الله ایزدی: برای تعامل درست با ترامپ در سه سال پیش‌رو هنوز دیر نیست

در تحلیل روند تحولات یک‌ساله دولت دوم ترامپ، نعمت‌الله ایزدی در گپ‌وگفتی که با «شرق» دارد، ابتدا یادآور می‌شود که «بحران‌آفرینی ترامپ در عرصه سیاست خارجی محدود به ایران نیست و اکنون همه کشورها و مناطق جهان پس از بازگشتش به کاخ سفید با شدت و ضعف درگیر سیاست‌های مبهم ترامپ هستند»؛ تا جایی که به گفته آخرین سفیر ایران در شوروی، «حتی کشورهای اروپایی و دوست و هم‌پیمان آمریکا نیز به واسطه موضوع جنگ اوکراین، تعرفه‌های تجاری و اوج‌گرفتن مسئله گرینلند به یک بحران جدید رسیده‌اند». از این‌رو، از دیدگاه سفیر اسبق ایران در عمان، «ترامپ با وجود تمام انتقادات به رؤسای جمهور قبلی ایالات متحده و به‌خصوص بایدن و اوباما هنوز نتوانسته است در دولت دوم خود و در عرصه سیاست خارجی به موفقیت چشمگیری دست یابد و این عدم توفیق در قبال ایران نیز صدق می‌کند». این دیپلمات کهنه‌کار کشورمان در ادامه تحلیل خود خاطرنشان می‌کند: «ترامپ با سیاست جنجال‌سازی و نمایش دیپلماتیک تلاش کرده خود را در بطن و کانون هر تحول و اتفاق مهمی قرار دهد، بی‌آنکه به خروجی قابل دفاعی دست یابد».

با چنین برداشتی، اولین سفیر ایران در فدراسیون روسیه باور دارد: «اقدامات یک سال اخیر در قبال ایران نظیر اعمال تحریم، احیای کارزار فشار حداکثری و عملیات علیه تأسیسات هسته‌ای به توانایی‌های شخص ترامپ بازنمی‌گردد و این در قالب قدرت سیاسی، دیپلماتیک، اقتصادی و نظامی خود ایالات متحده قابل تفسیر است که هر رئیس‌جمهوری در آمریکا می‌تواند از آن استفاده کند». ایزدی با این عقبه‌ای که بررسی می‌کند، به ارزیابی سه سال پیش‌روی ترامپ ورود می‌کند و می‌گوید: «در این سه سال دیگر ترامپ نمی‌تواند با جنجال و نمایش دیپلماتیک به دنبال کسب وجهه و موفقیت باشد؛ چون نه‌تنها ایران، بلکه تمام کشورها تنها به عملکرد ترامپ نگاه می‌کنند، نه موضع‌گیری‌های او، بنابراین سه سال پیش‌رو بیش از آنکه برای ایران سخت باشد، یک آزمون جدی برای خود ترامپ خواهد بود که در عمل چه واکنشی در برابر بحران‌های سیاست خارجی آمریکا خواهد داشت».

دیپلمات پیشین کشورمان انتقادی هم به سیاست خارجی ایران در قبال دولت دوم ترامپ دارد و متذکر می‌شود: «اگرچه ترامپ اشراف لازم را به سیاست خارجی ندارد، ولی باعث نمی‌شود که تهران از ابتدا به دنبال تعریف یک استراتژی دقیق و واقع‌بینانه مبتنی بر منافع و امنیت ملی نباشد. پس فرصت‌های ازدست‌رفته در یک سال اول دولت دوم ترامپ تا حدی می‌تواند ناشی از کم‌کاری ما هم باشد». به همین دلیل است که ایزدی توصیه می‌کند: «وقتی ترامپ همیشه به دنبال اعلام یک پیروزی بزرگ دیپلماتیک در قبال ایران است، باید مقامات کشور هم یک هم‌افزایی داشته باشند و روندی را تعریف کنند که هم ترامپ به پیروزی مدنظرش برسد و هم ما از منافع خودمان بهره ببریم».

سفیر اسبق ایران در عمان این را هم گوشزد می‌کند که «وقتی ترامپ به هیچ موفقیتی در عرصه سیاست خارجی نرسیده است و به یک پیروزی بزرگ می‌اندیشد، برای ایران یک فرصت ایدئال خواهد بود که از این شرایط بهره لازم را ببرد. به‌ویژه آنکه برای ترامپ ثابت شده که ساختار جمهوری اسلامی ایران به نحوی است که نمی‌تواند رفتاری را که با پوتین یا با زلنسکی داشت، در قبال تهران اجرا کند و درعین‌حال ترامپ دریافته که نه با جنگ مستقیم و نه با تحمیل مذاکره مدنظر نمی‌تواند به پیروزی در قبال ایران برسد و این یک فرصت را به تهران می‌دهد».

این مفسر حوزه سیاست خارجی در پاسخ به سؤالی دال بر اینکه آیا فرصت تعامل برد-برد برای ایران در قبال ترامپ در سه سال پیش‌رو از بین رفته و برای اتخاذ استراتژی لازم دیر شده است؟ باور دارد: «در عالم دیپلماسی چیزی به نام «دیر شدن»، چه به لحاظ زمانی و چه به لحاظ بن‌بست دیپلماتیک وجود ندارد، بلکه باید از فرصت‌های باقی‌مانده در زمان باقی‌مانده استفاده کرد». این تحلیلگر در پیشنهاد خود به این موضوع می‌پردازد که «ایران با به‌کارگیری میانجیگران بی‌طرف در قالب یک طراحی درست می‌تواند سه سال باقی‌مانده دولت دوم ترامپ را به شکل مساعدتر و کم‌هزینه‌تری مدیریت کند».

ابوالقاسم دلفی: سه سال باقی‌مانده از دولت دوم ترامپ مانند یک سال گذشته با سیاست پرفشار علیه تهران همراه خواهد بود

ابوالقاسم دلفی هم به‌عنوان دیگر کارشناس در گفت‌وگو با «شرق» تأکید دارد: «شیوه تقابل ترامپ با ایران موضوعی بی‌مقدمه و بدون عقبه نبود، بلکه با توجه به تجربیات دوره اول ریاست‌جمهوری و همچنین مواضعی که در جریان رقابت‌های انتخاباتی ۲۰۲۴ در قبال ایران داشت، کاملا مشخص بود ترامپ در صورت بازگشت به کاخ سفید چه سیاستی را در قبال تهران خواهد داشت. ولی متأسفانه مقامات کشورمان توجهی به آن سخنان نداشتند و حتی احتمال پیروزی ترامپ را ضعیف می‌دانستند، بنابراین استراتژی خاصی هم برای نحوه مواجهه با ترامپ تعریف نشد و کشور پس از یک سال از بازگشت ترامپ به کاخ سفید در این نقطه بحرانی بی‌سابقه گرفتار شده است».

به تعبیر سفیر اسبق ایران در فرانسه، طی یک سالی که از دولت دوم ترامپ گذشته، او به‌وضوح نشان داد که «پرونده ایران جزء اولویت‌های سیاست خارجی ترامپ است که می‌خواهد آن را به شکل بنیادین و تمام‌عیار حل کند تا اعتباری مهم را برای خود و حزب متبوعش به وجود آورد و این‌گونه قلمداد کند که یک بحران لاینحل حدود ۵۰ساله را به سرانجام رسانده است». ضمن آنکه از دید سفیر پیشین ایران در شیلی، «حل پرونده ایران برای ترامپ و آمریکا می‌تواند هم در معادلات خاورمیانه و هم در نحوه بازی با ابرقدرت‌هایی مانند چین و روسیه تعیین‌کننده باشد». پس این سفیر اسبق کشورمان در نروژ چنین ارزیابی می‌کند که «سه سال باقی‌مانده از دولت دوم ترامپ مانند یک سال گذشته با یک سیاست پرفشار و همه‌جانبه برای ایران همراه خواهد بود».

با وجود نکته یادشده، دلفی هم مانند ایزدی تصریح می‌کند «هنوز برای اتخاذ شیوه درست دیپلماتیک با ترامپ در سه سال پیش‌رو دیر نیست»؛ چون به باور این دیپلمات پیشین کشورمان، «دیپلماسی برای هر بحرانی راه‌حل دارد، اما اگر از فرصت در جای خود به شکل درست استفاده نشود، باید به فرصت‌های محدودتر و با هزینه بیشتر اندیشید». از این‌رو است که سفیر اسبق ایران در کلمبیا باور دارد: «چون از فرصت تعامل درست با ترامپ در دولت اول او و نیز یک سال اول دولت دوم وی استفاده نکردیم، اکنون فرصت‌های ایران محدودتر و هزینه‌های آن نیز بیشتر خواهد بود و اگر همین فرصت‌های محدود را هم از دست بدهیم، یقینا شش ماه دیگر یا یک سال دیگر باید به مذاکره‌ای تن بدهیم که هیچ منفعتی برای ما ندارد».

کوروش احمدی: تهران نمی‌تواند به انتظار خاتمه دوره ترامپ در سه سال پیش‌رو بنشیند

کوروش احمدی نیز به‌عنوان دیگر دیپلمات در گفت‌وگو با «شرق» باور دارد: «در مورد استراتژی مقامات ما برای کار با آمریکا، مشکل این بود که وزارت خارجه دولت دکتر پزشکیان که کار خود را قبل از انتخابات آمریکا آغاز کرده بود، درک روزآمدشده‌ای از شرایط جدید منطقه‌ای و بین‌المللی نداشت. فقدان چنین درکی کاملا در سخنرانی آقای دکتر عراقچی در جریان اخذ رأی اعتماد مشهود بود. ایشان در این سخنرانی نشان داد همچنان بر همان خطی که طی چند دهه اخیر در خارج از وزارت خارجه دنبال می‌شد، استوار است. این سخنرانی نشان داد که وزارت خارجه دولت جدید نه‌تنها لزومی به تغییری در سطح راهبرد نمی‌بیند، بلکه حتی در سطح تاکتیکی نیز قائل به ضرورت تغییر نیست. این در حالی بود که آقای دکتر پزشکیان هم در جریان مبارزات انتخاباتی و هم در مقاله‌ای که در تهران‌تایمز منتشر کرد و هم در سخنرانی در مجمع عمومی ۱۴۰۳، از خط‌مشی متفاوتی ازجمله تعامل با جهان و حرکت در راستای لغو تحریم‌ها و مانند اینها سخن می‌گفت».

دیپلمات اسبق ایران در سازمان ملل در ادامه تحلیل خود تأکید دارد: «صرف‌نظر از این بحث، مسئله این بود که اکثریت کسانی که در انتخابات ریاست‌جمهوری شرکت کرده و به آقای دکتر پزشکیان رأی داده بودند، انتظار داشتند متناسب با این مواضع تحولی هرچند اندک در سیاست خارجی را شاهد باشند. مسئله این بود که مواضع اعلام‌شده از سوی آقای عراقچی از همان ابتدا کار را برای حرکت در راستای رسیدن به حداقلی از تفاهم با کشورهای منطقه و کشورهای غربی مشکل کرد و این در حالی بود که واقعیات عینی در منطقه و دورنمای روی کار آمدن ترامپ حاشیه مانور ایران را محدودتر از قبل کرده بود».

این تحلیلگر حوزه سیاست خارجی درباره پاسخ به این سؤال کلیدی که برای سه سال آینده چه باید کرد؟ یادآور می‌شود: «تقریبا همه دنیا از ابتدای روی کار آمدن ترامپ از ابتدای دور اول ریاست‌جمهوری او متوجه تحولات اساسی در سیاست داخلی و خارجی آمریکا شدند و با توجه به آن، سیاست یا تاکتیک‌های خود را در حد لازم متحول کردند. اما ما متأسفانه به این تحول مهم توجه نکردیم و عنایت نداشتیم که بالاخره در سیاست داخلی کشوری که اتفاقا دارای قوی‌ترین اقتصاد و قوی‌ترین ارتش دنیاست، تحولی روی داده است». به تعبیر احمدی، «ما خروج ترامپ از برجام را به خودمان گرفتیم و عنایت نداشتیم که ترامپ تنها از برجام خارج نشد، بلکه از ۱۸، ۱۹ توافق و نهاد دیگر بین‌المللی هم خارج شد. اندکی انعطاف در آن زمان امکان توافق با ترامپ را که خواستار «اصلاح برجام» بود، می‌داد. او به این «اصلاح» در سیاست داخلی و در تقابل با رقبای دموکرات نیاز داشت؛ کمااینکه دیگران انعطاف لازم را نشان دادند و نتیجه مطلوب گرفتند».

از دید این دیپلمات اسبق کشورمان، «با شروع کار ترامپ در دور دوم نیز واکنش مقامات ما تفاوتی با دور اول او نداشت. تأکید وزارت خارجه بر «مدیریت تخاصم» و «مبنایی‌بودن تخاصم با آمریکا» که ابداع وزارت خارجه دولت چهاردهم بود، طبیعی بود که کمکی به حل مشکل نکند. به هر حال ما با این فرمان و تأکید بر مذاکره‌نکردن، وارد کار با دولت جدید آمریکا شدیم و بعد از تهدیدات ترامپ، «مذاکره غیرمستقیم» را در شرایطی که چندان به سود ما نبود، شروع کردیم». این کارشناس حوزه بین‌الملل اذعان می‌کند: «در مذاکرات اشتباه این بود که ظاهرا تنها مسئله ادامه یا توقف غنی‌سازی در ایران ملاک توافق بود؛ یعنی طوری قضیه صفر و یکی شده بود و خروجی آن تنها می‌توانست شکست یکی و پیروزی دیگری باشد، بنابراین طبعا تأکید علنی و رسمی ما بر غیرمستقیم‌بودن مذاکره را نیز ترامپ با توجه به روان‌شناسی خاصش احتمالا به حساب توهین به خود گذاشته بود».

با توجه به نکات یادشده، این مفسر حوزه سیاست خارجی تصریح می‌کند: «قاعدتا درس‌های گذشته باید برای سه سال آینده به کار آید. اولا باید مقامات ما توجه داشته باشند که نمی‌توانند به انتظار خاتمه دوره ترامپ بنشینند. سه سال خیلی زیاد است و معلوم نیست که رئیس‌جمهور بعدی بهتر از ترامپ باشد. ثانیا برای حل مشکل بین دو کشور، دو راه بیشتر وجود ندارد؛ جنگ یا دیپلماسی. اگر مقامات ما دیپلماسی را ترجیح می‌دهند، باید به الزامات آن که مذاکره مستقیم و بدون محدودیت است، تن بدهند؛ وگرنه کار به جایی نخواهد رسید. تعلیق نامحدود نیز راه‌حل نیست؛ چراکه ما به خاطر تحریم‌ها و تهدیدهای نظامی تحت فشار هستیم و آمریکا تحت فشار نیست. ثالثا باید توجه داشت که ترامپ سیاست خارجی آمریکا را کاملا شخصی‌سازی کرده و همه کشورها متوجه هستند که کار با او شروع و به او ختم می‌شود و شورای امنیت ملی آمریکا عملا تعطیل شده و وزارت خارجه آمریکا هم تقریبا هیچ‌کاره است و کار با امثال ویتکاف تنها ما را به همان بازی صفر و یک و بن‌بست می‌کشاند. مقامات ما اگر روزی تصمیم به حل یا تخفیف مشکل با ترامپ گرفتند، باید نماینده‌ای را مأمور کار مستقیم با خود او بکنند».